290143 ـ آیا شناخت شروط کلمۀ توحید واجب است؟

سوال

آیا برای مسلمان واجب است که شروط لا اله الا الله را بداند؟ و آیا کسی که این شروط را نمی‌داند کافر است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

آن‌چه در شریعت اسلام معلوم و مقرر است این است که کلمۀ توحید در آخرت به صاحب خود نفع می‌رساند و اگر معنایش را بداند و بر اساس آن عمل کند، او از اهل بهشت خواهد شد و از دوزخ نجات خواهد یافت.

شیخ سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«از عُبادة بن صامت روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «آن‌که شهادت دهد که معبودی به حق جز الله نیست که یگانه و بی‌شریک است و این‌که محمد بنده و پیامبر اوست و این‌که عیسی بندۀ الله و پیامبر اوست و کلمۀ اوست که بر مریم القا کرد و روحی است از او، و این‌که بهشت حق است و دوزخ حق است، الله او را با هر عملی که باشد وارد بهشت خواهد کرد...»

این سخن ایشان که «هر کس شهادت دهد که معبودی [به حق] جز الله نیست» یعنی هر کس این سخن را از با شناخت معنایش و عمل به مقتضایش در باطن و ظاهر به زبان آورد، به دلیل این سخن پروردگار متعال که: فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ [محمد: ۱۹] (پس بدان که معبودی [به حق] نیست جز الله) و این کلام الهی که: إِلاَّ مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [زخرف: ۸۶] (مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند). اما به زبان آوردن این کلمه بدون شناخت معنایش و بدون عمل به مقتضایش به اجماع سودی نمی‌رساند» (تیسیر العزیز الحمید: ۵۱).

اما این علم به معنا و مقتضای کلمۀ توحید برای هر مسلمان بر وجه اجمال (به طور کلی) لازم است و همین برایش کافی است، زیرا از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نقل نشده که برای هر تازه مسلمانی این شروط را به شکل جزئی و با تفصیل ـ چنان‌که در کتاب‌ها است ـ بیان کرده باشد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«شکی در این نیست که بر هر کس واجب است تا به آن‌چه توسط پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمده است به شکل عام و مُجمَل ایمان داشته باشد و شکی در این نیست که شناخت آن‌چه بر پیامبر نازل شده به شکل مفصل یک فرض کفایی است، زیرا جزء تبلیغ آن‌چه خداوند پیامبرش را با آن مبعوث ساخته قرار می‌گیرد و در تدبر قرآن و فهم آن و علم کتاب و حکمت و حفظ ذکر و دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به راه پروردگار با حکمت و اندرز نیک و جدال به آن‌چه بهتر است و مانند آن داخل است که خداوند بر مؤمنان واجب گردانده است و این واجبی است کفایی» (درء تعارض العقل والنقل: ۱/ ۵۱).

برای همهٔ مسلمانان لازم نیست که این شروط را حفظ کنند و این‌که کسی این‌ها را نداند ایرادی در ایمانش وارد نمی‌کند، بلکه آن‌چه مطلوب است، عمل به این شروط و تصحیح ایمان است.

و این چیزی است که هر مسلمانی انجامش می‌دهد ـ اگرچه عامی باشد ـ تا وقتی که دلش بر محبت الله و پیامبرش و طاعت آنها و بزرگداشت نصوص شرعی و عمل به آن‌چه از این نصوص به او می‌رسد بر حسب توانش باشد.

شیخ حافظ الحکمی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«هیچ گوینده‌ای به مجرد گفتن لا اله الا الله با زبان سودی نبرده است مگر آن‌که شروط آن (شروط هفت‌گانه) را کامل کرده باشد و معنای کامل کردن آن این است که همهٔ این شرطها در وی باشد و به آن پای‌بند باشد بدون آن‌که یکی از شروط را زیر پا بگذارد.

و منظور این نیست که این شروط را بشمارد و از حفظ باشد، زیرا چه بسا مردم عامی که این شروط در آن‌ها یکجا شده و به آن پایبندند و اگر به آنان گفته شود این شرطها را بشمار نتواند.

و چه بسیارند حافظان الفاظ این شروط که مانند تیر بر آن می‌گذرد و در کارهایی که مناقض این شروط است واقع می‌شوند و توفیق به دست الله است و الله المستعان» (معارج القبول: ۲/ ۴۱۸).

و شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«بنابراین بر همهٔ مسلمانان واجب است که این کلمه را با مراعات این شروط محقق و عملی سازند و هر گاه در مسلمانی معنای این شروط باشد و بر آن پایداری ورزد او مسلمان است و جان و مالش حرام است حتی اگر جزئیات این شروط را نداند، زیرا هدف دانستن حق و عمل به آن است اگرچه مؤمن جزئیات این شروط مطلوب را نداند» (مجموع الفتاوی: ۷/ ۵۸).

اما دانستن این شروط از فرض‌های کفایه است و بر امت واجب است کسانی در میان آنان باشند که این شروط را بدانند و

به مردم یاد دهند و این در تبلیغ آن‌چه خداوند پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ را برایش فرستاده داخل است... چنان‌که در سخن پیشین شیخ الاسلام آمده است.

همچنین شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید:

«اما آن‌چه بر تک تک آنان واجب است، بر حسب جایگاه و نیاز و شناخت آنان متفاوت است... بنابراین آن‌چه بر کسی که نمی‌تواند برخی از قسمت‌های علم را بشنود یا نمی‌تواند مسائل دقیق آن را بفهمد واجب نیست، بر کسی که می‌تواند واجب است، و برای کسی که نصوص را می‌شنود و آن را می‌فهمد تفصیلاتی واجب است که بر کسی که آن را نشنیده واجب نیست، و بر مفتی و سخنگو و مجادل چیزی واجب است که بر غیر او واجب نیست» (درء تعارض العقل والنقل: ۱/ ۵۲).

والله اعلم.